

بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد

حسین صادقی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

Sadeghih@modares.ac.ir

مجید صباغ کرمانی

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس تهران

sabaghkm@modares.ac.ir

وحید شقاقی شهری

دانشجوی دوره دکتری اقتصاد و پژوهشگر پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۹/۱۰

چکیده

مطابق ادبیات موجود، وقوع فساد به عنوان یک پدیده نامطلوب اجتماعی، علل اقتصادی و اجتماعی متعددی داشته و با توجه به اهمیت موضوع فساد در کشورهای مختلف، در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای به منظور شناسایی و تبیین علل وقوع آن انجام شده است. باید اذعان داشت که عوامل اقتصادی، عامل اساسی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل توجهی نیز روی فعالیت‌های فردی و جمعی در وقوع فساد دارند. در این مقاله سعی شده است تا در قالب یک الگوی اقتصادسنجی، با استفاده از داده‌های ترکیبی مقطعی - سری زمانی ۴ ساله (دوره) ۵۰ کشور و با به‌کارگیری روش "پانل دیتا"، ارتباط بین تمرکززدایی و فساد مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج به‌دست آمده حاکی از این است که افزایش تمرکززدایی در ابعاد مختلف، از طریق انتقال قدرت به سطوح پایین‌تر دولت برای کاهش قدرت انحصاری دولت مرکزی، اصلاحات در بخش عمومی و مقررات زدایی و شفافیت قوانین و مقررات، شرایطی را مهیا می‌کند که طی آن مقامات دولتی امکان تبانی و فساد را با بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی نخواهند داشت و پیامد این امر نیز تشویق ورود بخش خصوصی به فعالیت‌های اقتصادی است. هم‌چنین نتایج بررسی سایر علل اقتصادی که به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تأکیدی بر ارتباط تنگاتنگ بین شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی با کنترل و ریشه کنی فساد دارد، به گونه‌ای که با بهبود سطح رفاه اقتصادی جامعه و توسعه علمی و سلامت آن، جامعه به سمت سلامت اداری و اقتصادی نیز هدایت می‌شود.

طبقه‌بندی JEL : D73

کلید واژه: فساد مالی و اقتصادی، تمرکززدایی مالی، بخش خصوصی، پانل دیتا

۱- مقدمه

مقوله فساد با رویکرد دولت‌ها به سمت تسریع بهبود و توسعه کشورها مدنظر قرار گرفته و این موضوع به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه و درحال گذر نیز بیش‌تر مورد توجه بوده است. بحث پیامدهای ناکارآمد دولت‌ها در به تعویق انداختن رشد و توسعه اجتماعی، زیان‌های عظیمی به جامعه بشریت وارد کرده است و درحال حاضر اجماع کلی درمیان اقتصاددانان و سیاست‌گذاران به‌وجود آمده که وجود دولتی پاک و به دور از فساد برای توسعه امری ضروری و قطعی است (بانک جهانی، ۱۹۹۷).

از جمله این اقدامات در اصلاح ساختار مالی، حمایت از تمرکززدایی مالی، به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه و درحال گذر است. ویژگی‌های تمرکززدایی مالی مؤفق، نظیر افزایش رقابت و کاهش سیستم بوروکراسی (دیوان سالارانه) و شفافیت بیش‌تر می‌توانند عناصر محوری رویکرد اقتصادی مؤفق به دور از فساد تلقی شوند (جین^۱، ۲۰۰۱ - مارتینز و وازکوئز و مک ناب^۲ ۲۰۰۳ - رز و آکرمان^۳ ۱۹۹۷ - شلفیر و ویشنی^۴ ۱۹۹۳).

سؤال اساسی مقاله این است که آیا تمرکززدایی مالی می‌تواند فرصت‌های انجام فساد را در بخش‌های دولتی کاهش دهد؟ برای پاسخ به این سؤال، سازماندهی مقاله بدین صورت است که ابتدا مفهوم فساد به‌عنوان معضل فراروی رشد و توسعه کشورها به ویژه کشورهای درحال توسعه و درحال گذر، تشریح شده و سپس مروری بر مقوله تمرکززدایی در ابعاد مختلف خواهد شد، تا بتوان با مروری بر مفاهیم این دو پدیده، ارتباط و مبانی نظری بین تمرکززدایی و فساد بررسی و استخراج شود. در ادامه، با تبیین مبانی نظری بین این دو مقوله، سعی خواهد شد با بهره‌گیری از الگوهای اقتصادسنجی پانل (بین‌کشوری)، ارتباط بین تمرکززدایی با فساد، برای گروهی از کشورهای منتخب مورد آزمون تجربی نیز قرار گیرد.

۲- مفهوم فساد

فساد دارای مفهومی وسیع و چندبعدی بوده و در حوزه‌های مختلف از ورزش گرفته تا طرح‌های غیرقانونی خصوصی‌سازی، مشاهده می‌شود. هم‌چنین حالت‌های فساد در

1- Jain.

2- Martinez-Vazquez and McNab.

3- Rose and Ackerman.

4- Shleifer and Vishny.

بخش‌های مختلف و کشورهای متفاوت، مشابه و یکسان نیستند، به طوری که آن‌چه در برخی جوامع از آن به فساد یاد می‌شود، ممکن است در جامعه‌ای دیگر به عنوان هنجار و قاعده اجتماعی تلقی شود (دساردان^۱ ۱۹۹۹) و نیز مردم دیدگاه‌های متفاوتی از فساد که در بخش‌های اقتصادی به وقوع می‌پیوندد، دارند. به عنوان نمونه، فساد در سیستم قضایی و دادگاه‌ها، از دید عموم مردم مسأله سازتر از اختلاس تلقی شده است (سازمان بین‌المللی شفافیت ۲۰۰۲). لذا لازم است مطالعه بر جنبه‌های مشخصی از فساد متمرکز شود و بدین منظور باید تعریفی را که بانک جهانی از فساد داشته، به صورت تعریف مشترک قبول داشت به طوری که کل مقاله بر اساس این تعریف از فساد پایه‌ریزی شده است. بانک جهانی، «فساد را سوء استفاده از قدرت و مقام مأمور یا بدنه دولت برای منافع شخصی» عنوان می‌کند و به نظر این تعریف ساده، تاحدودی اشکال گوناگون فساد را در بخش دولتی شامل می‌شود.

حال سؤال بدین صورت قابل طرح است که مأمور و مسئول دولتی مرتکب چه اقدامی می‌شود که می‌تواند عنوان شود که سوء استفاده از مقام و قدرت برای منافع شخصی بوده و نحوه ارتکاب و سوء استفاده به چه نحوی است؟ بخش دولتی بر پایه روابط و امور اداری متعدد که مسئولیت حکمرانی و حکومت داری را با انتصاب یا انتخاب مقامات و مأمورانی برعهده دارد، شکل گرفته است و برخی از مقامات حتی ممکن است بر پایه اشکال مختلفی از فساد، نظیر رشوه، اختلاس، اخاذی یا پارتی بازی به کار گماشته شده باشند (آدموسن^۲ ۲۰۰۰). به صورت کلی، فساد در طرف درآمد یا طرف هزینه‌ای بودجه و یا خارج بودجه در معاملات شبه مالی، نظیر وضع قوانین و مقررات می‌تواند رخ دهد (مارتینز و واز کوئز و همکاران، ۲۰۰۴).

روشی که مقامات و مأموران دولتی را درگیر فعالیت‌های مرتبط با فساد می‌کند نیز متفاوت بوده و بستگی به ساختارها دارد. هم‌چنین فساد از جنبه دامنه گستردگی نیز می‌تواند بزرگ یا کوچک باشد، در فساد بزرگ، به طور عمده مقامات عالی رتبه درگیرند و فسادهای جزئی و کوچک در بین سطوح اداری پایین‌تر معمول است. از سویی، فساد می‌تواند سازماندهی شده باشد، هم‌چون جرایم مالی رخ داده در اتحادیه‌ها و صنوف^۳.

1- de Sardan.

2- Admundsen.

3- Celentani and Ganuza 2002 •Waller et al 2002.

برای ایجاد فهم دقیقی از فساد، لازم است ابتدا تعریفی از فساد، انجام و سپس به اشکال مختلف فساد اشاره شود.

فساد مالی، عارضه‌ای است که اغلب از کنش متقابل دولت و اقتصاد بازار سرچشمه می‌گیرد، به‌ویژه اگر خود دولت نیز به ناچار نقشی درون زا برعهده داشته باشد. نمونه‌های عینی فساد مالی تا حدود زیادی پیچیده، چندوجهی و دارای شکل‌ها و شیوه‌های متفاوت‌اند. عارضه فساد مالی از فعل ساده پرداخت غیرقانونی به یک کارمند دولت، تا ناکارکردی فراگیر یک نظام سیاسی یا اقتصادی را در بر می‌گیرد. فساد مالی هم به‌عنوان یک مشکل ساختاری سیاسی یا اقتصادی و هم به‌عنوان یک معضل اخلاقی یا تربیتی فردی قابل تأمل است.

با وجود تعاریف بی‌شماری که در متن‌ها و مستندات مربوط به فساد مالی به چشم می‌خورد، گزینش یک تعریف جامع و مانع در این‌باره چندان آسان نیست. انتخاب مجموعه‌ای از تعاریف فساد مالی امری قراردادی است، که می‌تواند به روش‌های گوناگون انجام پذیرد. بیش‌تر پژوهش‌گران، فساد مالی را به‌عنوان یک رابطه خاص حکومت- جامعه تعریف کرده و بین فساد سیاسی و فساد اداری و نیز فساد کارکردی و فساد ناکارکردی تفاوت قایل می‌شوند و فساد مالی را به‌عنوان یک سازوکار نشئت از بالا، یا توزیع مجدد رو به پایین دسته‌بندی می‌کنند (رهبر و دیگران، ص ۸).

در بیشتر مباحثی که فساد مالی را به‌عنوان یک رابطه خاص حکومت - جامعه تعریف می‌کنند، نقش حکومت کاملاً آشکار است. فساد مالی به‌طور متعارف، رفتار نفع طلبانه شخصی است که به‌عنوان یک مأمور یا مقام دولتی عمل می‌کند. هم‌چنین تعریف کارکردی فساد مالی که توسط بانک جهانی، سازمان بین‌المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارائه شده، عبارت است از سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی (بانک جهانی، ۲۰۰۴). تعریف دیگری که توسط برخی پژوهش‌گران ارائه شده است، بیان می‌دارد که فساد مالی، معامله‌ای بین بازیگران بخش خصوصی و دولتی است، که از طریق آن، کالاهای عمومی به‌طور نامشروع به سودها و منافع خصوصی تبدیل می‌شوند.

با ارایه تعریفی از فساد مالی، سعی می‌شود به‌گونه‌های مختلف فساد مالی به‌صورت‌گذرا اشاره شود. به‌طور کلی مفاصد مالی شامل مفاصد عمده زیرند، که به‌ترتیب به معرفی اجمالی هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود:

- رشوه

رشوه و رشوه‌خواری یکی از رایج‌ترین و گسترده‌ترین انواع مفاسد مالی و اقتصادی است، که علاوه بر وارد کردن زیان‌های شدید بر اقتصادهای ملی، اقتصاد و تجارت بین‌المللی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده است. به‌طوری که در حال حاضر سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، رشوه را از مهم‌ترین مخاطرات و موانع جدی اعتماد و اطمینان بین‌المللی در مبادلات دانسته و در پی مبارزه با آن هستند. پرداخت رشوه معمولاً به منظور دستیابی به اهدافی از قبیل تسهیل در اجرای قوانین، تسریع در انجام امور قانونی، فرار از قانون، دسترسی غیرقانونی به منابع درآمد و جعل اسناد و مدارک، انجام می‌گیرد. مهم‌ترین زمینه‌های کاربرد رشوه عبارتند از:

مناقصه، مزایده، خریدهای دولتی، تسریع در انجام امور قانونی، پرداخت به دولت، سندسازی، کسب امتیازات، امور بانکی، امور قضایی، و سایر موارد

- اختلاس

اختلاس به‌عنوان یکی از مصادیق بارز فساد مالی و اقتصادی از نظر لغوی به‌معنای ربودن، دستبرد زدن و دست‌اندازی به مال دیگران است و از نظر حقوقی به شکل خاصی از تصرف و دست‌اندازی بر مال دیگران اطلاق می‌شود و عبارتست از این‌که با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصت مناسب چیزی را بردارند. در حقیقت اختلاس، برداشت از منابع توسط افرادی است که مدیریت این منابع به آن‌ها سپرده شده است.^۱

ضعف سیستم مدیریت، سوءاستفاده از مقام و موقعیت، بی‌برنامگی در نحوه تخصیص و هزینه کردن بودجه‌های اداری، ورود مدیریت‌ها در عرصه تجارت موازی، وجود ارتباطات فامیلی و پیچیدگی‌های زاید اداری و کاغذبازی‌ها را می‌توان از اصلی‌ترین دلایل به‌وجود آمدن اختلاس در دستگاه‌های دولتی، ارگان‌ها و نهادهای تحت پوشش دولت محسوب کرد. دخالت مدیریت‌های دولتی در تجارت، واسطه‌گری و فعالیت‌های جنبی، از مهم‌ترین عوامل اختلاس و حیف و میل اموال بیت‌المال‌اند. سایر مفاسد مالی نیز عبارتند از:

الف - آشنابازی: رویه‌ای است که به موجب آن یک مأمور دولت، یک یا چند تن از خویشاوندان را به خدمات دولتی منصوب می‌کند و آن‌ها را در لیست حقوق بگیران

۱- سمیعی ح، "حقوق جزا"، انتشارات شرکت مطبوعات، ۱۳۴۸.

دولتی قرار می‌دهد و یا آن‌ها را از امتیازات دیگری برخوردار می‌کند تا بر حیثیت یا درآمد خانوادگی بیافزاید و یا به‌جای توسعه رفاه عمومی، به ساختن یک ماشین سیاسی یاری رساند.^۱

ب - اخاذی: استفاده از زور، توسل به خشونت یا تهدید برای اخذ پول و منابع دیگر است. حق سکوت و اخاذی، اعمال و روابط آلوده‌ای است که در آن‌ها پول به‌صورت غیرقانونی و با توسل به خشونت، توسط کسانی که قدرت اعمال زور دارند، اخذ می‌شود.

ج - سوء استفاده و کلاهبرداری: سوء استفاده عبارتست از نقل و انتقالات منابع برای مصرف خصوصی اشخاص، بدون ظاهر شدن در حساب‌های رسمی یا وارد شدن در سر فصل‌های حساب‌های دیگر. این منابع ممکن است مستقیماً مربوط به شغل فرد یا از منابع خارجی و مرتبط با کار او باشند. در بیش‌تر موارد سوء استفاده با کلاهبرداری همراه است. تفاوت مقررات کشورها و وجود بهشت‌های مالیاتی و محرمانه نگه داشتن حساب‌های بانکی افراد، سبب شده است که امروزه کلاهبرداری‌ها آسان‌تر و غیرقابل ردیابی شوند.

د - حق السکوت: نوعی باج‌گیری است که از شخص یا جمعیتی مانند فرد و حزب و دسته و یا حتی بعضاً از دولت اخذ می‌شود.

۳- مفهوم تمرکززدایی و منافع و هزینه‌های آن^۲

امروزه تمرکززدایی در ابعاد مختلف آن به‌عنوان یکی از روش‌های حل مسایل و مشکلات کشورها و استفاده بهتر از توانایی‌هایشان مورد توجه فراوان قرار گرفته است. عبارت تمرکززدایی به‌صورت عمومی در جاهای مختلف عنوان شده و به‌صورت‌های مختلف و با استفاده از شاخص‌های متنوع نیز مورد سنجش قرار گرفته است. برای شروع و آرایه تعریفی مناسب برای به‌کارگیری در تحلیل‌ها، لازم است که دو ایده مربوط به هم، ولی منفک در مورد تمرکززدایی را در نظر داشت: الف) فرایندی است بین لایه‌ها و سطوح مختلف دولت (مرکزی- محلی و استانی) و ب) مقررات زدایی به‌معنای تمرکززدایی از دولت به بازار و ایجاد اصلاحات در بخش عمومی.

۱- جولیس گولد و ویلیام کوسب، فرهنگ علوم اجتماعی، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۷۶.

۲ - محمودی، وحید (۱۳۸۶).

از سوی دیگر، باید توجه داشت که مفهوم تمرکززدایی به‌عنوان یک مفهوم عام دربردارنده جنبه‌های مختلف مثل تمرکززدایی مالی، سیاسی، مدیریتی و غیره است که برای هر کدام نیز شاخص‌های متنوعی وجود دارد. ولی آنچه که از دیدگاه شهروندان معمولی در مورد تمرکززدایی مهم است این است که دولت مرکزی از تجربیات زندگی شهروندان و مشکلات و مسائل روزمره، آنان به دور است و لذا شهروندان یک کشور آن دولتی را می‌شناسند که در رفع مشکلات آنان و افزایش رفاه به کمک آن‌ها می‌شتابد و مهم نیست که این دولت با چه نوع تقسیم‌بندی از تمرکززدایی تعریف شده باشد. بدین‌سان، این دولت‌های محلی و توانایی‌های آن‌هاست که در ذهن افراد جای گرفته و مهم است، نه دولت‌های مرکزی. به همین علت است که در طول دهه‌های گذشته، بسیاری از کشورها (چه توسعه یافته و چه در حال توسعه) به سیاست تمرکززدایی روی آورده و به نوعی آن را اعمال کرده‌اند.

۱-۳- برداشت اول: تمرکززدایی به‌عنوان یک فرایند درونی دولت

اگر تمرکززدایی به‌صورت یک فرایند در داخل لایه‌های مختلف دولت در نظر گرفته شود، آن‌گاه می‌توان گفت که تمرکززدایی از طریق انتقال قدرت به سطوح پایین‌تر دولت، برای کاهش قدرت انحصاری و قبضه دولت مرکزی می‌تواند به‌عنوان ابزار کارآمدی برای افزایش کارایی بخش عمومی عمل کند و بر اقتصاد ملی مؤثر واقع شود. البته در این جا نباید از ایجاد عدم تعادل‌های افقی بین مناطق مختلف کشور و دولت‌های محلی و به خطر افتادن ثبات اقتصاد کلان نیز غافل شد، که به‌عنوان یکی از هزینه‌های تمرکززدایی از آن نام برده می‌شود. بسته به اهداف کشورهای مختلف، سیاست‌های تمرکززدایی اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند. به‌طور کلی، تمرکززدایی «انتقال یا تفویض اختیارات در زمینه‌های برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و یا مدیریت از سوی مقامات دولت مرکزی به مقامات محلی است»^۱.

همان‌طور که گفته شد، تمرکززدایی داخل لایه‌های درونی دولت از وجوه مختلف قابل اعمال است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان از منظر اداری، سیاسی، مالی و سرزمینی دانست. تمرکززدایی اداری از سه منظر: تراکم زدایی، تفویض اختیار و تحویل اختیار بررسی می‌شود که در این زمینه توزیع وظایف و اختیارات میان لایه‌های دولت را در

1- Rondnelli, D. 1981.

قالب دو الگوی حدی تراکم زدایی و تمرکززدایی و الگوهای میانه این دو، با عنوان کلی «نیمه متمرکز» تعریف کرد.

تمرکززدایی سیاسی با مفاهیم جامعه مدنی و دموکراتیزه کردن دولت مرتبط است و در تمرکززدایی سیاسی، لایه‌های دولتی پایین‌تر، مستقل‌اند، بنابراین لایه‌ها در بودجه عمومی دولت قرار نمی‌گیرند و فقط به نمایندگی از جامعه بر عملکرد دولت نظارت می‌کنند، درحالی‌که با دموکراتیزه کردن دولت، دولت انتخابی تشکیل می‌شود. بنابراین در تمرکززدایی سیاسی، مقامات نهادهای دولتی را مردم منطقه، استان یا محل انتخاب می‌کنند و از این طریق، مقامات دولتی علاوه بر دولت ملی، پاسخ‌گوی مردم حوزه انتخابیه خود نیز می‌شوند.

تمرکززدایی مالی در چارچوب نظریه‌های مالیه عمومی و انتخاب عمومی با موضوعات تقسیم اختیار در حوزه برنامه‌ریزی و بودجه (تصمیم‌گیری مخارج و درآمد)، اجرای برنامه در لایه‌های پایین‌تر (منطقه، استان و محل، سازمان و نهاد ملی) و همچنین نحوه پاسخ‌گویی همراه است. به عبارت دیگر، تمرکززدایی مالی به میزان تصمیم‌گیری و واگذاری اختیارات مربوط به انجام مخارج و ایجاد درآمد مربوط می‌شود. در این نوع تمرکززدایی، منابع مالی معین برای هزینه کردن به سطوح مختلف تخصیص می‌یابند. البته در مورد انتخاب نوع سیاست تمرکززدایی مالی باید در نظر داشت که در زمینه درآمدها که بیش‌تر آن‌ها مالیات است، دولت مرکزی در انتخاب مالیات محدودیت ندارد. درحالی‌که دولت‌های محلی در این زمینه دارای محدودیت‌اند و همین‌طور در زمینه هزینه‌ها، دولت مرکزی بیش‌تر مسئول دفاع ملی، قانون و ایجاد نظم و پرداخت‌های انتقالی است. درحالی‌که دولت‌های محلی به‌طور عمده در زمینه آموزش و بهداشت عمومی فعالیت می‌کنند. حال برای تصمیم‌گیری در اتخاذ سیاست، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این شیوه تخصیص وظایف و مسئولیت‌ها بهینه است؟ تاجایی که تغییرات در میان لایه‌ها و سطوح مختلف دولت‌ها سبب افزایش کارایی و عدالت شوند، لازم است که ساختار دولت‌ها تغییر کند.

۲-۳ - برداشت دوم: تمرکززدایی به مثابه مقررات زدایی و انتقال مسئولیت از

دولت به بازار

این نوع برداشت از تمرکززدایی اقتصادی نیز گفته می‌شود به معنای انتقال وظایفی از دولت به بخش خصوصی است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که این نوع تمرکززدایی

در حقیقت همان خصوصی سازی و مقررات زدایی است که در حوزه اقتصاد آن‌ها را از بحث مالی تفکیک کرده‌اند. به بیان دیگر، حرکت به سمت رقابت‌پذیری اقتصادی و پذیرش قاعده بازی با محوریت نظام بازار، مبنای اجرایی کردن این سیاست است.

۳-۳- منافع و هزینه‌های تمرکززدایی

در کنار بسط و گسترش مطالعات نظری در زمینه تمرکززدایی در طی چندین دهه اخیر، مطالعات تجربی بسیاری توسط اقتصاددانان مختلف در کشورهای متفاوت نیز انجام گرفته است، که در قالب این مطالعات (نظری و تجربی)، به منافع و هزینه‌ها و همچنین عوامل مؤثر بر پیشرفت تمرکززدایی در شرایط متفاوت اشاره شده است. مثلاً مطالعات تجربی لاین^۱، فوکوساکو و ملو^۲، مهم‌ترین عامل توسعه برای کشورهای در حال توسعه را تمرکززدایی مالی تفسیر می‌کنند.

با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه تمرکززدایی و هزینه‌ها و فایده‌های مرتبط با آن‌ها در زیر، به بخشی از هزینه‌ها و فایده‌های تمرکززدایی به‌طور خلاصه اشاره می‌شود:

۱-۳-۳- منافع تمرکززدایی

الف) افزایش کارایی: یکی از مهم‌ترین منافع تمرکززدایی، افزایش کارایی است، که بر پایه «فرضیه گوناگونی»^۳ و یا «قضیه تمرکززدایی» بنا نهاده شده است. بر این اساس، تولید سطوح یکسان کالاها و خدمات عمومی در همه محل‌ها، به‌طور کلی ناکاراست. زیرا ترجیحات مصرف‌کنندگان برای یک کالا یا خدمت معین متفاوت است. از این رو، دولت‌های محلی با توجه به نزدیکی مردم هر منطقه نسبت به دولت مرکزی، بهتر می‌توانند سلايق و خواسته‌های مصرف‌کنندگان را تشخیص داده و منابع عمومی را به‌صورت کارا تر تخصیص دهند.^۴

ب) کاهش عدم کارایی x: تمرکززدایی را می‌توان به‌عنوان محدودیتی روی رفتار دولت‌های بیش‌ترکننده بودجه در نظر گرفت. در حالی که دولت‌ها به‌صورت یک بیش‌ترکننده بودجه عمل می‌کنند، رقابت افقی و عمودی میان سطوح مختلف دولت، به

1- Linn.

2- Fukasaku & Mlo.

3- Diversification Hypothesis.

4- Martinez-Vazquez, J. and R.M. McNab 2003.

توزیع بودجه آن‌ها انجامیده و بنابراین اندازه کلی بخش عمومی را محدود می‌کند. از این‌رو، تمرکززدایی می‌تواند از عرضه بیش از حد کالاها و خدمات عمومی جلوگیری کرده و به کاهش «ناکارایی x» در بخش عمومی بینجامد.^۱

ج) افزایش بهره‌وری: از آن‌جا که تمرکززدایی بر انتقال مسئولیت‌ها از دولت مرکزی به دولت‌های محلی همراه با ایجاد پاسخ‌گویی در آن‌ها دلالت دارد، از این‌رو نه تنها برای دولت‌های محلی انگیزه‌ای ایجاد می‌شود که ترجیحات ساکنان مناطق را در نظر بگیرند، بلکه سبب می‌شود که نوآوری‌ها و زمینه‌های ایجاد خلاقیت در تولید کالاها و خدمات عمومی در سطح مناطق به‌وجود آید، که در این زمینه تولید کالاها و خدمات عمومی، هزینه‌های تولید را کاهش و کیفیت آن‌ها را افزایش می‌دهد.

د) کاهش هزینه‌ها: تمرکززدایی سبب کاهش سلسله مراتب بوروکراتیک می‌شود. از آن‌جا که در نتیجه تمرکززدایی، اداره امور هر منطقه با توجه به امکانات آن منطقه انجام می‌گیرد، لذا هزینه‌های دولت مرکزی کاهش یافته و این به کارایی تولید و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر می‌انجامد.

ه) امکان کاهش رشوه و فساد مالی: چون به‌واسطه تمرکززدایی، پاسخ‌گویی سیاست‌مداران به مردم افزایش می‌یابد، به‌نظر می‌رسد تمرکززدایی به کاهش بروز رشوه و فساد مالی منجر خواهد شد. افزون بر موارد فوق، کاهش فشار سیاسی برای یک‌دست شدن جامعه و همچنین امکان کسب اطلاعات دقیق‌تر درباره مورد سیستم مالی دولت را می‌توان از دیگر منافع تمرکززدایی برشمرد.

۲-۳-۳ - هزینه‌های تمرکززدایی

در کنار منافع ناشی از تمرکززدایی، اجرای سیاست‌های تمرکززدایی هزینه‌هایی را نیز به‌دنبال دارد، که این هزینه‌ها می‌توانند یا ناشی از سطح تمرکززدایی، که به سبب تشخیص نادرست سطح یا افراد در آن به‌وجود می‌آید، باشند و یا این‌که این هزینه‌ها، هزینه‌های ساختاری تمرکززدایی‌اند که به‌دلیل عدم انطباق ساختار تمرکززدایی با ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه به‌وجود می‌آیند. به‌صورت گذرا و طبق نتایج مطالعات انجام گرفته، افزایش شکاف درآمدی، به خطر افتادن ثبات کلان اقتصادی، شکست بازار و ضعف کارایی تخصیص و محدودیت نیروی انسانی از پیامدهای منفی تمرکززدایی به‌شمار می‌رود.

لذا همان‌طور که عنوان شد، تمرکززدایی و اعمال سیاست‌های مربوط به آن دربردارنده منافع و هزینه‌هایی است که برای تصمیم‌گیری نهایی لازم است تا تحلیل هزینه - فایده از آن انجام گیرد و می‌توان گفت که تمرکززدایی در صورتی مناسب است که سبب افزایش رفاه شود.

۴- تبیین نظری ارتباط بین تمرکززدایی مالی و فساد

در مجموع مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا تغییر از ساختار دولت متمرکز به غیرمتمرکز (تمرکززدایی) منجر به کاهش نرخ رشوه (فساد) خواهد شد؟ برای پاسخ به این سؤال، با الگوسازی و تبیین ارتباط بین فساد با تمرکززدایی، به دنبال پاسخ به سؤال فوق خواهیم بود. گستره وسیعی از مدل‌ها به منظور مطرح کردن بحث فساد بسط داده شده‌اند. روش مورداستفاده در این مقاله متکی بر الگوسازی دولت به عنوان بیش‌ترکننده درآمدهای رشوه‌ای است. والر و همکارانش^۱ ۲۰۰۲، به این موضوع می‌پردازند که سطح بهینه اجتماعی فساد صفر نیست و جمع‌آوری و دریافت متمرکز رشوه اثرات زیان بار کم‌تری از دریافت غیرمتمرکز رشوه دارد. محققان فرض می‌کنند که سه بازیگر اصلی در اقتصاد وجود دارند: (۱) مؤسسات اقتصادی؛ که نیازمند کسب مجوزهای بازرگانی از کانال بوروکراسی‌های اداری اند (۲) مأموران اداری؛ که متهم به دریافت رشوه برای صدور مجوزهای لازم بنگاه‌ها هستند (۳) حاکم مطلق؛ که سهمی از درآمدهای رشوه را به دست می‌آورد. براساس چنین الگوی سلسله مراتبی از دولت، در صورت تمرکز فساد، حاکم مطلق دریافت، رشوه را هماهنگ و تعدیل کرده و موجب می‌شود رشوه کم‌تری در پروژه‌های سرمایه‌گذاری اخذ شود. در حالی که، در روش تمرکززدایی فساد، علاوه بر حاکم مطلق، مأموران محلی نیز به دریافت سهم رشوه ترغیب شده و در مجموع منجر به افزایش حجم دریافت رشوه می‌شوند. این بررسی با نتایج مطالعات شلفیر و ویشنی (۱۹۹۳) نیز هم‌سمو است که عنوان می‌کنند زمانی که عاملان بخش خصوصی با نهادهای دولتی و سیستم‌های بوروکراسی مختلف برای دریافت مجوزهای لازم مواجه باشند، ناگزیرند به هریک از این نهادها و مأموران دولتی رشوه‌های مستقل پرداخت کنند که چنین فرایندی هزینه فساد را افزایش می‌دهد.

الگوی مورد استفاده در تشریح فساد، قلمرو ساده و کوچکی نظیر یک شهر را در نظر می‌گیرد، که حاکم مطلق به‌عنوان نمونه شهرداری فاسدی بوده و سیستم‌های بوروکراسی، بازرسان متعددی هستند که مشغول دریافت رشوه از عاملان بخش خصوصی‌اند. حتی زمانی که حکومت قادر نیست کنترلی بر سیستم‌های اداری فاسد داشته باشد، به احتمال زیاد کل فساد بیش‌تر نیز خواهد شد. به‌هرحال، در این الگو احتمال وجود دو یا بیش‌تر حاکم که در رقابت و چشم هم‌چشمی با یکدیگر باشند، مدنظر قرار نگرفته است. ممکن است اشکال گوناگونی از رقابت بین حاکمان وجود داشته باشد، نظیر رقابت عمودی بین دولت محلی با مرکزی، رقابت افقی بین مأموران فاسد در شهرها، کشورها یا مناطق همسایه. هم‌چنین تفکیک قدرت و شکل‌گیری دولت‌های ائتلافی، رقابت‌ها را بین بازیگران مختلف در دولت ایجاد می‌کند. چنین وضعیتی انگیزه‌های لازم را برای دنبال کردن فساد به‌وجود می‌آورد. به‌هرحال، اگر سیستم نظارت و کنترل داخلی، قوی و منسجم باشد، از ظهور فساد تا حدودی جلوگیری خواهد شد (گلدین و گلاسر ۲۰۰۴).

در مقاله حاضر سعی می‌گردد ارتشاء و اثرات تمرکززدایی بر فساد در شرایطی که رقابت و چشم هم‌چشمی بین دولت‌های محلی و مرکزی وجود دارد، مطالعه و بررسی شود. دو دلیل اساسی برای تأکید بر رقابت عمودی وجود دارد که برپایه مطالعات نوتسن عبارتند از (Knutsen 1992: ۱) رقابت عمودی تنها روش فراروی دولت مرکزی به رقابت است و از لحاظ قانونی، طبیعت منحصربه‌فرد دولت مرکزی تعریف شده است. (۲) رقابت عمودی مخصوصاً زمانی که جابه‌جایی و انتقال شهروندان محدود شده باشد، اهمیت زیادی خواهد داشت. مزیت‌های رقابت افقی تنها در صورتی قابل حصول است که سرمایه یا نیروی کار سیال باشند. هدف کلی مقاله در این است که الگوی حداکثرسازی درآمدهای حاصل از دریافت رشوه در دولت فاسد بسط داده و بتواند دلایل و نحوه اثرگذاری تغییر سیستم دولت از حالت تمرکز به عدم تمرکز را بر تغییر میزان رشوه دریافت شده مورد بررسی و آزمون قرار دهد.

تمرکززدایی گسترده‌تر منتهی به رقابت حوزه‌های حاکمیتی بین دولت‌های محلی در جذب سکنه بیش‌تر می‌شود.^۱ مطالعات متعددی در مورد رقابت مالیاتی مطرح شده است

1- Glaeser and Goldin.

2- Buchana 1980.

و این مطالعات به‌طور عمده بر رقابت بی‌رویه دولت‌ها برای فرار سرمایه از طریق کاهش نرخ‌های مالیاتی و سطوح هزینه‌های عمومی تأکید داشته‌اند. هم‌چنین رقابت عمودی بین مأموران فاسد تقریباً موضوع ناملموسی است که نیازمند مطالعات و بررسی‌های بیش‌تری است.

برای تحلیل نظری در مقاله حاضر سعی می‌گردد با بهره‌گیری از مطالعات انجام گرفته در این حوزه به‌ویژه با تکیه بر چارچوب ارائه شده توسط چوی و تام، ۲۰۰۲^۱ درخصوص بررسی نحوه تأثیر انتخاب کارفرمای اقتصادی به انجام فعالیت اقتصادی به‌صورت زیرزمینی و نقش آن در افزایش فساد در دولت، به بسط موضوع جهت تبیین ارتباط بین تمرکززدایی و فساد پرداخته شود. هم‌چون الگوی ارائه شده توسط محققان، ابتدا دو سطح از دولت تعریف شده و با لحاظ پیش‌فرض‌هایی به بررسی موضوع پرداخته می‌شود:

۱- دو سطح از دولت وجود دارند و تقسیم‌بندی شفاف‌ی از مسئولیت‌ها انجام گرفته است. مأموران در هر سطحی با توجه به فعالیت‌های اقتصادی تصمیم‌گیری می‌کنند. درضمن، از سیستم‌های بوروکراسی متعدد چشم‌پوشی شده و فرض می‌شود که مأمور کنترل و بازرسی کاملی بر آن‌ها دارد.

۲- تعدادی از مؤسسات اقتصادی وجود دارند و کل این بنگاه‌ها به‌صورت یک بدنه از بخش خصوصی که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد، در نظر گرفته شده‌اند. درضمن، مؤسسات اقتصادی به‌صورت بنگاه‌های نامتجانس و ناهمگن در توانایی برای کسب درآمد فرض شده‌اند. فرض می‌شود v ، معرف خالص دریافتی مؤسسه اقتصادی باشد، که منعکس‌کننده توان آن مؤسسه است. به عبارت دیگر، دریافتی‌ها، خالص هزینه‌ها و مالیات‌ها هستند. توزیع توان بنگاه به‌وسیله تابع توزیع معکوس تجمعی $F(v)$ با چگالی پیوسته $F'(v) \leq 0$ ، معرفی می‌شود و $F(v)$ بیانگر درصدی از مؤسسات اقتصادی است که امکان کسب درآمد بیش‌تر از v دارند.

۳- مؤسسات اقتصادی باید برای کسب مجوزهای لازم، b میزان رشوه را به‌صورت زیرمیزی به مأموران دولتی فاسد بپردازند. تفاسیر متفاوتی از b ممکن است ارائه شود، نظیر مبلغی برای پاداش انعقاد قرارداد دولتی یا رشوه ثبت شرکت بازرگانی و یا رشوه برای به‌دست آوردن امکانات و تجهیزات عمومی.

با توجه به موارد فوق، عوامل دولتی سعی می‌کنند براساس میزان رشوه b ، درآمدهای شخصی خود را حداکثر کنند. درضمن، به دلیل این که میزان خالص دریافتی مؤسسه اقتصادی (v) اطلاعات شخصی است، لذا مأمور فاسد نمی‌تواند تبعیض قیمت را اعمال کند و مجبور به دریافت رشوه به صورت یکسان و همسان (b) است. از دیدگاه بنگاه، پرداخت b هزینه اضافی بابت راه‌اندازی و تداوم فعالیت بازرگانی است.

۱-۴- فساد در شرایط تمرکز

برای بررسی مقدماتی فرض کنید دولت تمرکز کامل را دارد. هم‌چنین فرض می‌شود که کلیه توابع دولت (ساختار دولت) نیز متمرکزند و مؤسسات اقتصادی برای راه‌اندازی و تداوم فعالیت بازرگانی خود نیازمند معامله با دولت مرکزی هستند. هم‌چنین دولت‌های محلی وجود دارند ولی تحت تمرکز کامل دولت مرکزی هستند و هیچ‌گونه امکانی جهت اعمال قدرت به بنگاه‌های اقتصادی ندارند و تنها به‌عنوان نماینده‌ای از دولت مرکزی به شمار می‌روند. هم‌چنین فرض می‌شود که دولت مرکزی میزان b واحد رشوه را از مؤسسات اقتصادی برای انجام فعالیت‌های بازرگانی در بخش اداری دریافت می‌کند. برای انجام و پیشبرد فعالیت‌ها و عملیات در بخش اداری، بنگاه باید با دولت در ارتباط باشد. اخذ مالیات، تهیه زیرساخت‌های عمومی یا اعمال مقررات دولت همگی فراروی فعالیت‌های بازرگانی بخش خصوصی هستند و بخش دولتی در موارد فوق الذکر در تعامل تنگاتنگ متقابل با بخش خصوصی است. با این حال، الگوی مورد استفاده بر تعاملات بین دو بخش در بعد هزینه‌ای بودجه متمرکز شده است. در مواجهه با مأمور فاسد، بنگاه اقتصادی حق انتخاب برای ورود یا عدم ورود به بازار را دارد. برای ورود به بازار، بنگاه مجبور به پرداخت b میزان رشوه به مأموران دولتی است. فقط مؤسسات اقتصادی که می‌توانند درآمدهای غیرمنفی کسب می‌کنند وارد بازار شوند و b میزان رشوه را به مأموران فاسد پرداخت می‌کنند لذا: $v - b \geq 0$. با این پیش فرض که مأموران دولتی درخواست پرداخت رشوه b واحد از بنگاه می‌نمایند، حالتی که بنگاه بین ورود و خروج به بازار بی تفاوت است، به صورت $v = b$ قابل تعریف است. مأمور فاسد درآمدش را طبق رابطه زیر حداکثر می‌کند:

$$\max_b [w + bF(b)]$$

که b ، رشوه جمع آوری شده از هر بنگاه اقتصادی است و $F(b)$ ، تعداد بنگاه‌ها در اقتصاد است. $b \circ F(b)$ ، کل پاداش‌های (رشوه‌های) جمع آوری شده توسط مأمور

دولتی است. به اضافه درآمد حاصل از رشوه، مأمور دستمزد ثابت w را نیز دریافت می‌کند. داوطلب نهایی برای پرداخت رشوه b^* ، که موجب می‌شود درآمد مأمور فاسد حداکثر شود، تلویحاً توسط شرط مرتبه اول زیر تعیین می‌شود:

$$F(b^*) + b^* F'(b^*) = 0 \quad (1)$$

هم‌چنین پیش فرض استاندارد است که شرط نرخ مخاطره یکنوا^۱ را برای انواع توزیع‌ها تضمین کند (یعنی $-F(b)'/F(b)$)، فزاینده بوده و به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\frac{\partial}{\partial v} \left[-\frac{F'(b)}{F(b)} \right] > 0 \quad (2)$$

$$-F(b)''F(b) + [F(b)']^2 > 0$$

این پیش فرض تضمین می‌کند که شرط مرتبه دوم برای حداکثرسازی مسأله باید شرط زیر را تضمین کند:

$$vF(b)' + bF''(b) < 0 \quad (3)$$

با استفاده از شرط مرتبه اول، $b = -\frac{F(b)}{F'(b)}$ ، شرط مرتبه دوم به صورت زیر نوشته

می‌شود:

$$vF'(b) - \frac{F(b)}{F'(b)} F''(b) < 0 \quad (4)$$

لذا از رابطه (۲) مشتق گرفته $(F'(b) > \frac{F(b)}{F'(b)} F''(b))$ و در رابطه (۴) جایگزین

می‌کنیم، پس می‌توان به این نتیجه رسید که رابطه (۴) کوچک‌تر از صفر است.

۲-۴- فساد در صورت تمرکززدایی

حال فرض کنید دولت شرایط تمرکززدایی را انتخاب کرده است، به طوری که مؤسسات اقتصادی می‌توانند فعالیت بازرگانی را در هر حوزه و قلمرو محلی و مرکزی انجام دهند و دولت مرکزی نمی‌تواند به طور مستقیم فعالیت‌های مأموران دولت محلی را کنترل و نظارت کند. به عبارت دیگر، برخی از اختیارات دولت مرکزی به دولت‌های محلی واگذار شده و تصمیم‌گیری و اعمال قدرت را به آن‌ها داده است. با این حال، پروژه‌های محلی به دلیل صرفه‌های اقتصادی پایین‌تر در مقایسه با مشابه خود در دولت

1- Monotone hazard rate condition.

مرکزی، کم‌تر مورد توجه بنگاه‌های اقتصادی‌اند. هزینه‌های دولت محلی به احتمال زیاد در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، کتابخانه‌های عمومی و... است که این هزینه‌ها در مقایسه با مخارج دولت مرکزی در بخش‌های دفاعی، تکمیل زیرساخت‌های اصلی نظیر بزرگراه‌ها، کم‌ترند، لذا کاهش ارزش پروژه در دولت‌های محلی با ضریب ρ لحاظ شده است. به عبارت دیگر، با انتخاب برای ورود در فعالیت بازرگانی در قلمرو محلی، بنگاه ظرفیت دریافتی ρv را خواهد داشت. تفاسیر دیگری نیز ممکن است انجام گیرد. دولت مرکزی ممکن است در امور دولت محلی مداخله و هزینه‌های اضافی را بر مؤسسه اقتصادی وارد کند یا این که قلمرو محلی، فرصت‌های بازرگانی جذابی نداشته باشد. سود بنگاه با ریسک طبیعی در قلمرو محلی به صورت $v(1-\rho)$ است. در ادامه بر پیش فرض دولت محلی که رشوه را مطالبه می‌کند پرداخته خواهد شد. در حال حاضر، فرض می‌شود که فقط دولت مرکزی از بنگاه‌ها مطالبه رشوه می‌کند.

لذا فرض می‌شود که مقداری سود وجود دارد که بنگاه را به فعالیت اقتصادی ترغیب می‌کند و موجب می‌گردد که بنگاه در حوزه دولت محلی به فعالیت بپردازد یعنی: $v \geq 0$ که $v^* = b^*$ در رابطه (۱) تعریف شده است.

هنگامی که بنگاه‌های اقتصادی تصمیم به ورود می‌گیرند، آن‌ها سطحی از مبادله با دولت را که بالاترین سطح سود انتظاری را نتیجه می‌دهد انتخاب می‌نمایند. با b میزان رشوه درخواستی توسط دولت، بنگاه با اشکال مختلف ورود به اقتصاد زیر مواجه است:

(۱) اگر $v \leq \frac{b}{\rho}$ باشد، آن‌گاه بنگاه با دولت مرکزی معامله خواهد کرد. به عبارت دیگر، بنگاه بدلیل این که پرداختی به‌عنوان رشوه از مازاد دریافتی‌هایش کم‌تر است به معامله با دولت مرکزی می‌پردازد.

(۲) اگر $0 \leq v < \frac{b}{\rho}$ باشد بنگاه اقتصادی با دولت محلی معامله خواهد کرد.

(۳) و بالاخره اگر $v \leq 0$ باشد که ورود پیدا نخواهد داشت.

مأمور فاسد در دولت مرکزی داوطلبان بالقوه را نیز در نظر می‌گیرد، چراکه ممکن است تقاضای رشوه از سوی وی به‌دلیل معامله بنگاه با دولت‌های محلی در قلمروی محلی از بین برود. بنابراین مأمور مرکزی فاسد رابطه زیر را حداکثر می‌سازد:

$$\text{Max } R(b) = bF(b/\rho)$$

با محاسبه شرط مرتبه اول داریم:

$$F(b/\rho) + b/\rho F'(b/\rho) = 0 \quad (۵)$$

رابطه فوق میزان رشوه b^{**} آخرین واحد بنگاه اقتصادی را در معامله با دولت مرکزی معین می‌کند. بنگاه‌های با استطاعت مالی کم‌تر از $v^* \leq v$ نمی‌توانند وارد فعالیت اقتصادی شوند و بنگاه‌هایی با توانایی بینابین $v^* < v \leq v^{**}$ در قلمرو محلی فعالیت می‌نمایند، درحالی‌که بنگاه‌های با استطاعت مالی بالاتر $v^{**} \leq v$ به معامله با دولت مرکزی پرداخته و سهم خود را به مأموران فاسد مرکزی می‌پردازند.

قضیه: در اقتصادی که با فساد مواجه است، اگر اختیار مخارج و هزینه‌های دولت به جای این‌که تمرکز کامل داشته باشد، غیرمتمرکز مصرف گردد، در این صورت، در حالت تعادل بیش‌تر درآمد حاصل از پرداخت رشوه b کم‌تر و تعداد کل بنگاه‌های اقتصادی بیش‌تر خواهد بود.

اثبات قضیه:

رابطه (۵) $F(b/\rho) + b/\rho F'(b/\rho) = 0$ را برحسب b^* در نظر بگیرید، که نرخ نهایی رشوه در حالت فساد متمرکز براساس رابطه (۱)، $F(b^*) + b^* F'(b^*) = 0$ است. آن‌گاه با مساوی قرار دادن رابطه $F(b^*/\rho) + b^*/\rho F'(b^*/\rho) = 0$ با رابطه (۱) خواهیم داشت: $b^*/\rho = b^*$. با توجه به این‌که $0 < \rho < 1$ ، بنابراین $b^{**} < b^*$.

میزان رشوه b کم‌تر موجب کاهش میزان خالص دریافتی بنگاه v می‌شود و با این حال در صورت تمرکززدایی، بنگاه‌های اقتصادی با استطاعت مالی و قدرت نفوذ کم‌تر نیز می‌توانند وارد اقتصاد شود، بنابراین کل تعداد بنگاه‌های اقتصادی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، سود مستقیم تمرکززدایی به نحوی است که مأمور فاسد را مجبور به کاهش نرخ رشوه می‌نماید و متعاقب آن موجب افزایش ورود بنگاه‌ها در اقتصاد می‌گردد.

شواهد و دلایل پیش روی بحث رشوه پایین‌تر در این است که مأمور دولتی علاقمند به این موضوع است که بداند چه مقدار درآمد رشوه‌ای را می‌تواند از فعالان اقتصادی دریافت نماید. اگر نرخ‌های بالاتر رشوه، بنگاه‌های اقتصادی را به سمت اقتصاد زیرزمینی سوق دهد یا به قلمروهای دیگری روانه سازد، آن‌گاه مأموران دولتی به کاهش میزان رشوه برای حداکثرسازی کل درآمدهای حاصل از دریافت رشوه تمایل خواهند داشت. در این صورت، کاهش در نرخ‌های رشوه موجب می‌شود تعداد بنگاه‌های اقتصادی که فعالیت‌های بازرگانی انجام می‌دهند و تمایل به پرداخت رشوه دارند، افزایش یابد.

۳-۴- فساد در دولت‌های محلی

با توجه به این که این تصور که مأموران دولت محلی تقاضایی برای دریافت رشوه از مؤسسات اقتصادی نخواهند داشت، فرض واقع بینانه‌ای نمی‌باشد، لذا فرض می‌شود مأمور دولت مرکزی فاسد متهم به دریافت رشوه b برای اجازه دادن به هر بنگاهی برای شروع فعالیت در قلمروش است در حالی که همتای آن در قلمرو محلی تقاضای رشوه b_1 نموده باشد. برای بنگاه اقتصادی با خالص دریافتی v ، سود به دست آمده با ورود به حوزه دولت مرکزی تغییر نخواهد کرد یعنی (سود: $P_1 = v - b$). اما سود در قلمرو محلی تغییر خواهد نمود چرا که حالا تقاضای رشوه‌ای به میزان b_1 از سوی دولت محلی وجود دارد یعنی سود بنگاه با ورود به فعالیت در قلمرو محلی به صورت $P_1 = v - \rho v - b_1$ خواهد شد. برای بنگاه اقتصادی در قلمرو محلی، احتمال ρ عدم دریافت v (کاهش ارزش پروژه) وجود دارد. به عبارت دیگر، فرض می‌گردد که در صورت انتخاب معامله با پروژه‌های دولت محلی، بنگاه‌ها با کیفیت پایین‌تر زیرساخت‌ها و خدمات عمومی مواجه خواهند شد. می‌توان این پیش فرض را پذیرفت که میزان رشوه‌های دولت مرکزی همواره بزرگ‌تر از دولت محلی است $b > b_1$. این پیش فرض صرفاً برای تسهیل محاسبات مطرح شده و نتایج اصلی الگو را تغییر نخواهد داد. متعاقب تقاضای رشوه b, b_1 ، بنگاه‌ها برای ورود به فعالیت‌های اقتصادی با راهبردهای زیر رویارو می‌باشند:

۱- در صورتی که $\frac{b+b_1}{\rho} \leq v$ باشد، با دولت مرکزی معامله خواهد کرد. بنگاه راهبرد ورود به معامله با دولت مرکزی را انتخاب خواهد کرد اگر رشوه‌ای که حاضر به پرداخت به مأموران دولت مرکزی است از مجموع رشوه به دولت محلی و درآمدهای انتظاری از انجام فعالیت بازرگانی در قلمرو محلی کم‌تر باشد، $b < v(1-\rho) - b_1$.

۲- در صورتی که $\frac{b+b_1}{\rho} < v < \frac{b_1}{1-\rho}$ باشد، با دولت محلی معامله خواهد نمود.

۳- در نهایت، اگر $\frac{b_1}{1-\rho} < v$ باشد، آن‌گاه متمایل به انجام و تداوم فعالیت بازرگانی

نخواهد شد.

در صورت مقایسه با اشکال مختلف ورود در بخش قبلی، تقاضای دریافت رشوه توسط دولت محلی به طور اساسی نتایج مطالعه را تغییر نخواهد داد.

اگر مسأله حداکثرسازی درآمد مأمور دولت مرکزی مجدداً نوشته شود، یعنی:

$$\text{Max } R(b) = bF((b - b_1)/\rho)$$

با تشکیل شرط مرتبه اول داریم:

$$F((b^{***} - b_1)/\rho) + b^{***} / \rho F'((b^{***} - b_1)/\rho) = 0 \quad (6)$$

چون برنامه‌ریزی تقاضای رشوه b توسط مأمور تنها براساس خالص درآمد بنگاه v تعیین می‌گردد، لذا مناسب است مسأله حداکثرسازی رشوه توسط دولت مرکزی را تحت تمرکزسازی کامل براساس v به‌عنوان متغیر کنترل بازنگری نماییم:

$$\text{Max } R(v) = w + (v - t)F(v)$$

خالص دریافتی داوطلب نهایی v^* که درآمد مأمور فاسد را به‌طور ضمنی حداکثر می‌سازد، براساس شرط مرتبه اول زیر نشان داده شده است:

$$F(v^*) + (v^* - t)F'(v^*) = 0 \quad (7)$$

در حالت تمرکززدایی با میزان رشوه محلی صفر $v = b/\rho$ ، می‌توان نوشت:

$$\text{Max } R(v) = \rho v F(v)$$

که شرط مرتبه اول است:

$$F(v) + vF'(v) = 0 \quad (8)$$

براساس حالت تمرکززدایی با رشوه محلی غیرصفر، مسأله حداکثرسازی به‌صورت زیر بازنگری خواهد شد:

چون $v = (b - b_1)/\rho$ است، داریم:

$$\text{Max } R(v) = (\rho v + b_1)F(v)$$

که براساس شرط مرتبه اول داریم:

$$F(v^{***}) + vF'(v^{***}) + b_1 / \rho F'(v^{***}) = 0 \quad (9)$$

اگر رابطه (۹) براساس v^{**} بازنگری شود که نشان‌دهنده آخرین واحد مؤسسه اقتصادی در سیستم عدم تمرکز با فساد محلی غیرصفر است: از رابطه (۸) $F(v^{**}) + v^{**}F'(v^{**}) = 0$ و $F(v^{**}) + vF'(v^{**}) = -b_1 / \rho F'(v^{**}) > 0$ می‌توان نوشت $\partial R(v^{**}) / \partial v > 0$. بنابراین $v^{***} > v^{**}$ یا $b^{***} > b^{**}$. لذا میزان رشوه دریافت شده توسط دولت مرکزی در حالت تمرکززدایی و به شرط وجود رشوه محلی درمقایسه با شرایط تمرکززدایی و بدون دریافت رشوه محلی بالاتر است. به‌هرحال، اگر رابطه (۹)

براساس v^* بازنگری شود که بیانگر آخرین واحد بنگاه اقتصادی در سیستم متمرکز است، از رابطه $F(v^*) + v^* F'(v^*) - tF'(v^*) = 0$ و علامت $b_1 / \rho F'(v) + tF'(v^*) = [b_1 / \rho + t] F'(v^*) < 0$ داریم: $\partial R(v^*) / \partial v < 0$. بنابراین $v^{***} < v^*$ یا $b^{***} < b^*$. به عبارت دیگر، رشوه به دست آمده توسط دولت مرکزی تحت شرایط تمرکززدایی پایین تر است.

در مجموع با تحلیل الگوی نظری برپایه وجود فساد در سیستم و نیز تقسیم بندی دولت مرکزی، دولت های محلی و بنگاه های اقتصادی در دو حالت تمرکز و تمرکززدایی این نتیجه کلی حاصل می گردد که نرخ رشوه و تعداد بنگاه ها در اقتصاد توسط ساختار دولت تحت تأثیر قرار خواهند گرفت، یعنی مهم است که اختیار مخارج و هزینه ها به صورت متمرکز یا عدم تمرکز باشد. به عنوان نمونه، در صورتی که مأمور دولت، رشوه را براساس تصمیم دولت فاسد به ساخت و ساز و تجهیز کسب می کند، الگو نتیجه می دهد که در صورتی که دولت مرکزی تنها مسئول تجهیز و تدارکات باشد، مأمور دولت مرکزی میزان رشوه بیشتری را از بنگاه ها تقاضا خواهد کرد.

تمرکز ممکن است تعداد بنگاه ها در اقتصاد را از طریق میزان نرخ رشوه دریافتی تحت تأثیر قرار دهد. در صورتی که رشوه مورد نیاز برای تضمین انجام قراردادهای دولتی خیلی بالا باشد، آن گاه تنها بنگاه های بزرگ با درآمدهای بالا احتمالاً توانایی انجام و تداوم فعالیت بازرگانی را خواهند داشت. هم چنین نرخ رشوه در شرایط تمرکززدایی به عنوان رقابت عمودی برای جذب مشتریان که به صورت محدودیتی بر رفتار دولت اعمال می شود، تحت تأثیر قرار می گیرد. اگر برخی از اختیارات قانونی جهت صدور مجوز و تدارکات دولتی به سطوح پایین تر دولت یعنی دولت های محلی واگذار گردد، در این صورت دولت مرکزی به رقابت عمودی با دولت های محلی خواهد پرداخت، به طوری که بنگاه ها می توانند برای انجام فعالیت های بازرگانی به جای دولت مرکزی، با دولت های محلی وارد معامله شوند و در این حالت نیز رقابت افقی بین دولت های محلی شکل خواهد گرفت که در نهایت این حالت نیز منجر به کاهش سطح رشوه درخواستی از سوی مأموران دولت های محلی خواهد شد. لذا در صورتی که رقابت عمودی یا افقی شکل بگیرد (یعنی وجود دولت مرکزی و دولت های محلی)، اولاً میزان کل رشوه دریافتی کاهش خواهد یافت و در ضمن، تعداد بنگاه های متمایل ورود به فعالیت های اقتصادی افزایش خواهند یافت.

در مجموع، مقاله حاضر تا این بخش بدنبال آزمون فرضیه ذیل بود:

فرضیه بدین صورت مطرح گردید که «تغییر از ساختار دولت متمرکز به غیرمتمرکز منجر به کاهش نرخ رشوه خواهد شد». لذا برای پاسخ به این فرضیه، تحلیل‌های نظری بیانگر این مطلب بود که اگر دولت به صورت غیرمتمرکز اداره شود، آنگاه احتمالاً رقابت بین سطوح دولت برای تعیین مبنای رشوه رخ خواهد داد، البته با این فرض که مبنای رشوه همسان و مشترک نباشد. لذا برای تعیین مبنای رشوه که همسان نمی‌باشد، نیاز به تقسیم‌آشکاری از شرح وظایف و مسئولیت‌های هزینه‌ای است. طبق تحلیل‌های نظری مقاله، نرخ رشوه در صورتی که دولت در هر سطحی بدنبال حفظ و توسعه فعالیت‌های اقتصادی در قلمرو خودش می‌باشد، پایین‌تر خواهد آمد. به عبارت دیگر، در شرایط تمرکززدایی مالی، دولت متمایل به کاهش سطح فساد خواهد بود. بنابراین فساد با تمرکززدایی مالی بیش‌تر، کاهش عمده‌ای خواهد یافت.

۵- معرفی الگو، تخمین و تفسیر نتایج ارتباط بین تمرکززدایی و فساد

۱-۵- معرفی الگو

باتوجه به مباحث تئوریک نظری و با در نظر گرفتن مطالعات تجربی انجام شده در این خصوص، برای آزمون فرضیه وجود ارتباط معنی‌دار بین تمرکززدایی با فساد، الگوی تجربی تحقیق به شکل زیر معرفی می‌گردد:

$$\text{Control of Corruption}_{it} = \alpha + \beta \text{Decentralization}_{it} + \gamma \text{Control_Variables}_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در رابطه فوق t نشان، دهنده زمان و i بیانگر کشورها می‌باشد. متغیر وابسته تحقیق عبارت است از شاخص کنترل فساد مالی منتشرشده توسط سازمان بین‌المللی شفافیت برای کشورهای مختلف (موجود در سایت سازمان)^۱.

با عنایت به این‌که هدف مقاله حاضر بررسی نوع و میزان ارتباط تمرکززدایی با فساد است، لذا سعی گردید که متغیرهای مستقل مدل در دو گروه متغیرهای اصلی و کنترلی آورده شوند. لذا شاخص‌های بیانگر تمرکززدایی نظیر تمرکززدایی هزینه‌ای، درآمدی و مالی به‌عنوان متغیرهای اصلی لحاظ گردیدند. شایان ذکر است که تمرکززدایی دارای ابعاد مختلف سیاسی، اداری، مالی و اقتصادی است که هر یک از این جنبه‌های تمرکززدایی دارای شاخص‌های اندازه‌گیری متعددی هستند که در این مقاله از شاخص‌های تمرکززدایی مالی، هزینه‌ای و درآمدی طبق تعاریف بعمل آمده در بانک

جهانی استفاده گردید. با توجه به این که فساد علاوه بر تمرکززدایی، تحت تأثیر سایر متغیرهای اقتصادی نیز می‌باشد. بهمین منظور، سعی گردید برخی از متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر فساد از جمله شاخص حکمرانی خوب، سطح توسعه یافتگی و باسوادی جامعه و سطح رفاه کشورها نیز مدنظر قرار بگیرند تا سطح توضیح دهندگی مدل افزایش یابد.

لازم به ذکر است اطلاعات و داده‌ها و نیز تعاریف شاخص‌های معرفی شده برپایه منابع معتبر بین‌المللی نظیر بانک جهانی، سازمان بین‌المللی شفافیت، سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول بوده است و آمار و اطلاعات متغیرها و شاخص‌ها اعم از مستقل و وابسته از منابع فوق‌الذکر گرفته شده است.

شرح و توضیح متغیرهای مستقل ملحوظ در تابع فوق به‌صورت زیر می‌باشند:

متغیرهای تمرکززدایی!

- شاخص تمرکززدایی هزینه ای ($subexp$): نسبت هزینه دولت مرکزی به کل هزینه‌های عمومی جامعه

- شاخص تمرکززدایی درآمدی ($subrev$): نسبت درآمدهای دولت مرکزی به کل درآمدهای عمومی جامعه

- شاخص تمرکززدایی مالی (gov): نسبت اندازه دولت‌های محلی به مرکزی

متغیرهای کنترلی:

- شاخص حکمرانی خوب: این شاخص دربردارنده کیفیت اداره عمومی (کارایی دیوان سالاری، قدرت حاکمیت قانون و حفاظت از حقوق مالکیت، کنترل فساد و کیفیت مقررات) و پاسخ‌گویی بخش عمومی و سیاست‌گذاران به مردم است و به نوعی نشان‌دهنده میزان تمرکززدایی اداری و حتی سیاسی کشورها است. از بین متغیرهای حکمرانی خوب، شاخص کیفیت مقررات (reg) که به‌عنوان یکی از نماگرهای شاخص حکمرانی خوب مدنظر می‌باشد، مورد استفاده قرار گرفت. این شاخص شفافیت و کیفیت قوانین و مقررات هر کشوری را نشان می‌دهد. این شاخص هر ساله توسط بانک جهانی منتشر می‌شود.

- شاخص سهم جمعیت با تحصیلات عالی (edu): نسبت جمعیت با تحصیلات عالی به کل جمعیت

- شاخص توسعه انسانی (hdi): این شاخص که لازمه دستیابی کشورها به زندگی بهتر را علاوه بر برداشتن درآمد بالاتر، پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی و سلامت و بهداشت معرفی می‌کند، به‌عنوان متغیر سطح توسعه یافتگی کشورها در مدل استفاده می‌گردد.

- شاخص رفاه جامعه ($\log(\text{gdpper})$): برای تبیین عامل اقتصادی اثرگذار بر فساد، از شاخص لگاریتم درآمد سرانه کشورها به‌عنوان عامل بیانگر رفاه جامعه استفاده خواهد شد.

۲-۵- تخمین و تفسیر نتایج الگو

در تحقیق حاضر، الگو به روش داده‌های تابلویی برای ۵۰ کشور (شامل کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه) طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۶ برآورد شده است. با این حال، برای حذف اثرات زودگذر و موقتی درخصوص متغیرها و شاخص‌های استفاده شده سعی گردید دوره مورد اشاره به چهار دوره ۹۷-۱۹۹۵، ۲۰۰۰-۱۹۹۸، ۲۰۰۳-۲۰۰۱ و ۲۰۰۶-۲۰۰۴ تقسیم شده و متوسط هر دوره برای برآورد مدل مدنظر قرار گیرد، لذا با عنایت به نمونه منتخب ۵۰ کشوری برای چهار دوره، تعداد نمونه ۲۰۰ مشاهده بود. از سوی دیگر، برای تخمین مدل لازم بود تا نوع روش تخمین پانل دیتا نیز تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از جفت کشورها از آماره F استفاده شد. نتیجه دال بر قبول فرضیه صفر (یعنی حداقل مربعات معمولی) بود. لذا با توجه به پذیرش روش پولینگ، از بررسی آزمون هاسمن برای تعیین روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی در برآورد صرف‌نظر گردید.

با برآورد مدل به روش پولینگ نتایج زیر به‌دست می‌آید:

اولاً، با توجه به ضریب تعیین مدل، متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل توانسته‌اند در حدود ۷۴ درصد تغییرات شاخص کنترل فسادمالی را توضیح و تبیین کنند. این نتیجه حاکی از برازش خوب مدل می‌باشد. لذا می‌توان در سیاست‌گذاری‌ها بر آن استناد کرد.

ثانیاً، به غیر از شاخص توسعه انسانی و لگاریتم درآمد سرانه که از معنی داری پایینی برخوردارند (به ترتیب آماره $t: 1/44$ و $1/51$)، سایر متغیرهای توضیحی از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و علائم به‌دست آمده نیز برای کلیه متغیرها مطابق انتظار تئوریک می‌باشند. هم‌چنین با توجه به ضرایب تخمین زده شده، ارتباط بین کاهش فسادمالی و

تمرکززدایی در ابعاد مختلف کاملاً مشخص است به طوری که می توان به این موضوع اشاره نمود که اقدام به تمرکززدایی در بین دولت ها در ابعاد مختلف اعم از هزینه ای (مخارج) و درآمدی، اداری و اقتصادی به کاهش فساد مالی (افزایش کنترل فساد مالی) منجر می شود. در واقع می توان ادعا کرد که یکی از سازوکارهای مهم برای مقابله با فساد و کاهش آن، انتقال قدرت و مسئولیت های مالی، سیاسی و مدیریتی از دولت مرکزی به دولت های میانی و محلی و یا بخش خصوصی است. در ضمن، در چارچوب تمرکززدایی می توان انتظار داشت که کارایی منافع عمومی، رقابت پذیری، کاهش اندازه دولت و پاسخ گویی افزایش یابد که همه این موارد می تواند منجر به کاهش روابط آلوده به فساد در بین مقامات و مأموران دولتی گردد. هم چنین بهبود شاخص کیفیت مقررات که بیانگر حرکت به سمت حکمرانی خوب و شفاف سازی قوانین و مقررات می باشد، در کاهش فساد مالی (بهبود در کنترل فساد مالی) تأثیر به سزایی ایفا می کند. هم چنین طبق نتایج به دست آمده، بهبود شاخص توسعه انسانی به عنوان مقیاس اندازه گیری توسعه در کشورها که ترکیبی از سه عامل اساسی «کسب دانش»، «دسترسی به

جدول ۱- بررسی اثرات تمرکززدایی بر فساد
روش: حداقل مربعات پولینگ، تعداد نمونه: ۲۰۰ مشاهده
متغیر وابسته: شاخص کنترل فساد مالی

متغیرهای توضیحی	ضرایب	آماره t
شاخص تمرکززدایی مالی Sub-national expenditures (% of GDP)	0/042543	4/005408
شاخص تمرکززدایی هزینه ای Sub-national Expenditures (% of total expenditures)	0/039191	3/882620
شاخص تمرکززدایی درآمدی Sub-national Revenues (% of total Revenues)	0/016211	1/989521
شاخص کیفیت مقررات Regulatory Quality	1/549688	10/26694
شاخص توسعه انسانی Human Development index	1/718651	1/444170
شاخص سهم جمعیت با تحصیلات عالی School Enrollment, Secondary	0/032377	4/884807
لگاریتم درآمد سرانه Log(GDP Per Capita)	0/269321	1/516715
r^2	739/0	

امکانات مادی لازم برای زندگی» و «برخورداری از عمری طولانی توام با سلامتی» است، در کاهش فساد مؤثر می‌باشد به‌گونه‌ای که با تکیه بر این شاخص می‌توان استدلال کرد که افزایش سطح رفاه جامعه به همراه توسعه علمی و بهداشتی می‌تواند در کاهش فساد نقش به‌سزایی ایفا نماید. ارتباط مثبت بین شاخص‌های تحصیلات و درآمد سرانه به‌صورت جداگانه با فساد نیز به نوعی تاییدی بر نتایج به‌دست آمده براساس شاخص ترکیبی توسعه انسانی است. لذا نگرش صحیح به سرمایه انسانی و بسترسازی جهت بهبود شاخص‌های توسعه انسانی در ابعاد اقتصادی و فرهنگی در هر جامعه‌ای امری ضروری به شمار آمده و می‌تواند در کاهش فساد مالی و اقتصادی نقش بسزایی داشته باشد.

۶- نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در سال‌های اخیر به بحث جرم و جرم‌شناسی به‌ویژه در مقوله فساد به‌عنوان یک علم جدید نگریسته شده و تمام کشورها به ریشه‌کنی و مقابله با فساد همت گماشته‌اند. بنابراین در وهله اول برای ریشه‌کنی معضلی مانند فساد، ابتدا باید به علل اصلی به‌وجود آورنده آن توجه کرده و آن‌ها را شناسایی کرد تا بدین ترتیب بتوان از رشد آن جلوگیری کرد. با این حال، بررسی همه علل اثرگذار بر یک پدیده از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، و اداری و مدیریتی، بسیار مشکل است. براین اساس، در مقاله حاضر سعی شد مقوله فساد از بعد اقتصادی، آن هم با ورود به تحلیل ارتباط بین تمرکززدایی با فساد، مورد بررسی قرار گیرد. با این حال، به منظور تصریح مدل و کسب نتایج صحیح، گروهی از متغیرهای کنترلی، نظیر شاخص توسعه انسانی و تحصیلات و رفاه کشورها نیز مورد استفاده قرار گرفت.

در این راستا، تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های ترکیبی مقطعی - سری زمانی ۴ ساله (دوره) ۵۰ کشور توسعه یافته و درحال توسعه و با بهره‌گیری از ابزار اقتصادسنجی پانل دیتا، به بررسی ارتباط بین تمرکززدایی با فساد پرداخته و به نتایج زیر رسیده است:

طی دوره مورد بررسی، شاخص‌های مختلف تمرکززدایی درکنار شاخص‌های رفاه و توسعه علمی، از جمله متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر فساد بوده‌اند که بالغ بر ۷۰ درصد تغییرات فساد توسط متغیرهای مذکور تبیین و توضیح داده شده‌اند. هم‌چنین ضرایب به‌دست آمده متغیرها از نظر آماری معنی‌دار بوده و علایم آن‌ها نیز مطابق انتظار بوده

است. نتایج حاکی از این است که افزایش تمرکززدایی در ابعاد مختلف از طریق انتقال قدرت به سطوح پایین تر دولت جهت کاهش قدرت انحصاری دولت مرکزی، اصلاحات در بخش عمومی و مقررات زدایی و شفافیت قوانین و مقررات، موجب کاهش فساد در بین کشورهای نمونه منتخب شده است.

همچنین نتایج بررسی سایر علل اقتصادی که به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل مورد استفاده قرار گرفتند، تأکیدی بر ارتباط تنگاتنگ بین شاخص توسعه اقتصادی و انسانی با کنترل و ریشه کنی فساد دارد، به گونه‌ای که با بهبود سطح رفاه اقتصادی جامعه و توسعه علمی و سلامت آن، جامعه به سمت سلامت اداری و اقتصادی نیز هدایت می‌شود.

بدیهی است که برای کنترل معضل فساد، شناسایی ریشه‌های محرک این پدیده شوم بسیار حائز اهمیت است. عوامل و پارامترهای اقتصادی و اجتماعی و اداری و مدیریتی زیادی در رشد فساد تأثیرگذار بوده‌اند که شناسایی تمامی آن‌ها در این مقاله میسر نبوده است. بلکه تحقیق حاضر تنها توانسته است با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و عوامل مهم اقتصادی، به بررسی ارتباط این متغیرها با مقوله فساد بپردازد. از این رو، برای کنترل و کاهش فساد در سطح کلان کشوری می‌توان بر مبنای یافته‌های تحقیق، توصیه‌های سیاستی زیر را ارائه کرد:

- لزوم انجام سیاست‌های تمرکززدایی و اصلاحات ساختاری توسط دولت‌ها برای رسیدن به توسعه همه جانبه و پایدار و ریشه کنی با معضلاتی نظیر جرایم سازمان یافته و فساد

- شفافیت قوانین و مقررات و مقررات زدایی به معنای انتقال قدرت از دولت به بازار و ایجاد اصلاحات در بخش عمومی

- توجه جدی به سطح رفاه جامعه و برنامه‌ریزی برای پیاده سازی سیاست‌های توسعه اقتصادی با تأکید بر فقرزدایی، کاهش شکاف‌های طبقاتی و نابرابری‌های درآمدی و بهبود سلامت اقتصادی

- توسعه سطح فرهنگ جامعه با نگرش توسعه علمی و آگاهی عموم از مشکلات گسترش فساد و تکیه بر گسترش نظارت‌های همگانی و مردم نهاد

- در کنار توصیه‌های سیاستی فوق، توجه و انجام مطالعات پژوهشی درخصوص بررسی سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی تأثیر گذار بر فساد، در شناسایی علل و کنترل آن بسیار مؤثر خواهد بود.

فهرست منابع

- ۱- جولیوس گولد و ویلیام کوسب، ۱۳۷۶، فرهنگ علوم اجتماعی، انتشارات مازیار، تهران.
- ۲- رهبر، فرهاد، میرزاوند، فضل الله و زال پور، غلامرضا، ۱۳۸۱، بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد تهران، تهران، مؤسسه نشر جهاد.
- ۳- سمیعی ح، ۱۳۴۸، "حقوق جزا"، انتشارات شرکت مطبوعات.
- ۴- علم، ام. شهید، اسفند ۱۳۶۸، کالبدشناسی فساد، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۹۷ و ۹۸.
- ۵- گزارش توسعه جهانی در سال ۱۹۹۷، نقش دولت در جهان در حال تحول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خرداد ۱۳۷۸.
- ۶- لویس کوریپر، پل، "فساد و اخلاق"، ترجمان اقتصادی، شماره ۴۹.
- ۷- مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲، فساد مالی و اقتصادی (ریشه‌ها، پیامدها، پیشگیری و مقابله)، ج ۱، صص ۲۹-۲۵.
- ۸- محمودی، وحید، ۱۳۸۶، تمرکززدایی و اصلاحات ساختاری برای توسعه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بنای آینده‌ای مطمئن برای آسیای جنوب غربی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، بهمن.
- ۹- نجاری، رضا، ۱۳۷۸، علل تخلفات اداری و چگونگی پیش‌گیری از آن‌ها، همایش نظام اداری و توسعه، سازمان امور اداری و استخدامی کشور، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، مرداد.
- 10 Choi, Jay Pil and Marcel Thum.2002. Corruption and the shadow economy. CESifo Working Paper 633(2).
- 11 de Saran,JP Olivier.1999, A moral economy of corruption in Africa? The Journal of Modern African Studies, 37, no.1:25.
- 12 Glaeser, Edward L.and Claudia Goldin.2004. Corruption and Reform: Introduction National Bureau of Economic Research Working Paper 10775.
- 13 Martinez-Vazquez, Jorge, and Robert M.McNab.2003, Fiscal decentralization and economic growth. World Development 31, no.9:1597.

- 14 Rondinelli, Dennis.1981. Government decentralization in comparative perspective: Theory and practice in developing countries. International Review of Administrative Sciences 47, no.2:133-145.
- 15 Shleifer, Andrei and Robert W.Vishny.1993. Corruption. The Quarterly Journal of Economic 108, no.3:599.
- 16 Transparency International, 2004, Corruption Perception Index 2004, www.Transparency.de/index.html
- 17 Waller, Christopher J., Thierry Verdier, and Roy Gardner. 2002. Corruption: Top down or bottom up? Economic Inquiry 40, no.4: 688.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ضمیمه

آزمون معنی دار بودن گروه

برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از کشورها، از آماره F به صورت زیر استفاده شد:

$$H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_k = \alpha$$

$$H_1: \alpha_i \neq \alpha_j$$

$$F(n-1, nt-n-k) = \frac{(RSS_{UR} - RSS_P)/(n-1)}{(1 - RSS_{UR})/(nt-n-k)}$$

در رابطه فوق، UR، مشخص کننده مدل محدود نشده و علامت P، نشان دهنده مدل پولینگ یا محدود شده با یک عبارت ثابت برای همه گروه‌ها می‌باشد. k ، تعداد متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل، n تعداد کشورها، $N = nt$ تعداد کل مشاهدات و t دوره زمانی موردنظر) می‌باشد. آماره F مدل جاذبه برای رگرسیون غیرمقید و مقید (به ترتیب اثرات ثابت و حداقل مربعات وزنی) به شرح ذیل می‌باشد:

$$F(49, 143) = 0.98$$

از آنجایی که F با درجه آزادی ۴۹ و ۱۴۳ در سطح احتمال ۹۵ درصد تقریباً برابر ۱/۱۳ است و با توجه به این که F محاسبه شده کم‌تر از F جدول است، فرضیه H_0 پذیرش شده و اثرات گروه رد می‌شود و باید با عرض از مبدهای یکسان و به روش پولینگ برآورد را انجام داد.

با عنایت به پذیرش عدم وجود عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از کشورها از روش پولینگ برای برآورد الگو استفاده شده و آزمون دوم (آزمون هاسمن (Hausman Test) که برای انتخاب بین اثرات ثابت یا تصادفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، لازم نمی‌باشد.

نتایج رایانه‌ای برآورد مدل

Dependent Variable: COR?				
Method: Pooled Least Squares				
Date: 06/30/08 Time: 15:41				
Sample: 2003 2006				
Included observations: 4				
Number of cross-sections used: 50				
Total panel (balanced) observations: 200				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	-2.380139	1.015964	-2.342740	0.0202
GOV?	0.042543	0.010621	4.005408	0.0001
SJBREV?	0.016211	0.008148	1.989521	0.0481
SJBEXP?	0.039191	0.010094	3.882620	0.0001
REG?	1.549688	0.150940	10.26694	0.0000
HDI?	1.718651	1.190061	1.444170	0.1503
EDU?	0.032377	0.006628	4.884807	0.0000
LOG(GDPPER?)	0.269321	0.177569	1.516715	0.1310
R-squared	0.739770	Mean dependent var	4.824500	
Adjusted R-squared	0.730283	S.D. dependent var	2.361362	
S.E. of regression	1.226357	Sum squared resid	288.7587	
F-statistic	77.97281	Durbin-Watson stat	0.236681	
Prob(F-statistic)	0.000000			

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی